

۲۲ بهمن جمع زیادی از مردم در پاسخ به این متن گستاخانهٔ رئیس‌جمهور آمریکا به میدان آمدند

علیه فکت‌شیت ترامپ

متن دومین یادداشت ترامپ برای اعمال فشار حداکثری بر ایران «۴ فوریه» منتشر شد. این یادداشت که صراحتاً ایران را مسئول عملیات حماس در ۷ اکتبر خواند و «سپاه پاسداران» را طی ادعایی موهوم یک گروه تروریستی معرفی کرده است، مشخصاً بر تعطیل و تضعیف کردن فعالیت‌های نظامی، موشکی و هسته‌ای ایران متمرکز شده است و به دنبال تحت تأثیر قرار دادن فروش نفت ایران به کشورهای مثل چین است. این یادداشت در حالی منتشر می‌شود که ترامپ در گفت‌وگو با نیویورک‌پست بار دیگر از مذاکره با ایران گفته با این تفاوت که این بار مذاکره را در نقطه مقابل بمباران و حمله نظامی به ایران قرار داده است، اظهاراتی که اثبات می‌کند مواضعی که ترامپ در رسانه‌ها در خصوص مذاکره با ایران مطرح می‌کند، تکمیل‌کنندهٔ بازل تضعیف ایران است و ترامپ به دنبال امتیاز گرفتن از ایران و مذاکره در شرایطی نابرابر است، آن‌هم در شرایطی که در یادداشت‌هایی که منتشر کرده، عملاً موجودیت ایران را هدف قرار داده است.

■ ■ ■

بزرگ‌ترین متحد تروریست‌ها، ایران را به حمایت از تروریسم ادعایی خود محکوم کرد

ترامپ در بخشی از یادداشتی که خطاب‌به دستگاه‌های اجرایی در دولت منتشر کرده، ایران را دشمن آمریکا معرفی کرد، اشاره به اینکه بالاترین اولویت او «تضمین ایمنی و امنیت در آمریکاست»، ادعای تازه‌ای نیست و مشابه این ادعا را بوش پس‌بعد از حمله ۱۱ سپتامبر علیه ایران مطرح کرد و ایران را محور شرارت خواند. دونالد ترامپ در بخشی از این یادداشت که متن تکمیلی آن به‌تازگی منتشر شده «ایران را بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان» خواند. گروه‌هایی که او به آنها اشاره می‌کند «حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها، طالبان و القاعده... هستند، در میان اسامی گروه‌های مقاومت که در یادداشت ترامپ، «گروه تروریستی» خوانده شدند، اسامی گروه‌هایی مثل القاعده ذکر شده و ایران را حامی آنها خوانده، ادعایی که بیش از آنکه واقعیت داشته‌باشد، بیشتر طعزگونه و برای واقعی نشان دادن این ادعا پوشالی بوده که «ایران حامی تروریسم» است. در ادامه این یادداشت نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC) به‌عنوان یک سازمان تروریستی خارجی تعیین شده‌است. ادعای حمایت‌ایران از تروریسم، در حالی مورد اشاره قرار می‌گیرد که بعد از سقوط بنشار اسدو تغییر شرایط در سوریه، آمریکا رد و بدل کردن پیام‌را به رهبر گروه تحریر الشام آغاز کرد، اقدامی که به معنی به رسمیت شناختن حاکمیت گروه تحریر الشام و رهبر آن در سوریه بود، رهبری که همچنان نیز می‌توان تصاویر اقدامات تروریستی وزرا و اعضای گروهش را در اینترنت پیدا کرد. این جنس حمایت‌ها البته تازگی ندارد، در روزهایی که امنیت منطقه با موجودیت یافتن گروه تروریستی داعش، در حال نابودی بود، آمریکا بزرگ‌ترین حامی این گروه تروریستی محسوب می‌شد، حالا نیز ترامپ در حالی متاثر از نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی کودتک‌بش، ایران را حامی تروریسم معرفی می‌کند که در روزهایی که افکار عمومی انجام جنایات انسانی رژیم صهیونیستی در غزه را محکوم و به آن اعتراض می‌کردند، آمریکا حمایت‌های خود از اسرائیل را تقویت می‌کرد.

سپاه، اتباع آمریکا را به بهانه‌های مختلف بازداشت می‌کند یا آمریکا شهروندان ایرانی را؟

ترامپ در بخشی دیگر از دومین یادداشت ضدایرانی خود در توجیه لزوم بازگرداندن فشار حداکثری، ادعا کرد «دولت ایران، از جمله سپاه پاسداران، با استفاده از عوامل و ابزارهای سایبری، اتباع ایالات متحده را که در داخل ایالات متحده و دیگر کشورهای جهان زندگی می‌کنند، هدف حمله، آدم‌ربایی و قتل قرار می‌دهد.» کمتر از دو ماه پیش بود که خبر بازداشت دو نخبه ایرانی در آمریکا و ایتالیا به دستور آمریکا رسانه‌ای شد، بهانه بازداشت نیز این بود که این افراد فناوری‌های حساس را به ایران انتقال داده‌اند. آمریکایی‌ها و کشورهای اروپایی‌ها در سال‌های گذشته به بهانه‌های مختلف، اتباع و شهروندان ایرانی را بازداشت کردند، ادعای بازداشت اتباع آمریکایی، توسط ایران در حالی مطرح می‌شود که آمریکایی‌ها در بازداشت اتباع و نخچیان ایرانی، به بهانه کمک‌های امنیتی و انتقال اطلاعات به ایسران، به‌د ظولایی دارند. ترامپ در حالی ادعا می‌کند که ایران با کمک ابزارهای سایبری، اتباع آمریکایی را هدف حمله و آدم‌ربایی قرار می‌دهد، که به دستور همین رئیس‌جمهور در دی۹۸ مقام‌نظامی و رسمی ایرانی، که همپهان کشور عراق بود، هدف حمله تروریستی آمریکایی‌ها قرار گرفت و آنها نیز با افتخار از این ترور یاد کردند. در ادامه نیز ادعا کرده «ایران به گروه‌های نیابتی خود، از جمله سازمان جهاد اسلامی حزب‌الله، دستور داده بسلول‌های خخته‌ای را در داخل کشور ایجاد کنند تا در حمایت از این فعالیت‌های تروریستی فعال شوند.» ادعایی که فارغ از اینکه واقعیت ندارد، در راستای امنیتی‌سازی ایران و القای این گزاره است که ایران عامل ناامن شدن منطقه است، ادعایی که صهیونیست‌ها نیز مدام آن را تکرار می‌کنند.

آمریکا، مسئولیت عملیات حماس را به گردن ایران انداخت

مقامات ایران بارها اعلام کردند که ایران نقشی در «طراحی، تصمیم‌گیری و اجرای عملیات ۷ اکتبر نداشته‌است، اما رژیم صهیونیستی برای آنکه پروژه حمله به ایران را مشروع جلوه دهد و بتواند عدم توانایی خود برای مقابله با گروه‌های مقاومت را توجیه کند، ایران را به دست داشتن در عملیات ۷ اکتبر محکوم کرد، ادعایی که در دومین یادداشت ترامپ، صراحتاً مطرح و ایران را مسئول عملیات ۷ اکتبر حماس معرفی می‌کند. در ادامه این یادداشت نیز بدون اشاره به تجاوزات و بی‌ثبنت‌های رژیم صهیونیستی در ایران، از جمله ترور رهبر سیاسی حماس در خاک ایران، ایران را «به ابراز تمایل برای انجام حملات موشکی باستیک و کروز علیه اسرائیل در آوریل ۲۰۲۴» محکوم کرده است. ادعایی که در ادامه ادعای موهوم «تروریستی خواندن سپاه» به دنبال القای این گزاره است که ایران تهدیدی برای امنیت حامی آنها یعنی رژیم صهیونیستی است، بدون آنکه اقدامات تروریستی رژیم صهیونی از جمله ترور فرماندهان ایرانی، هدف قرار دادن دفتر کنسولی ایران در دمشق و تجاوز رژیم جعلی به خاک ایران را در نظر بگیرد.

آمریکا همچنان به دنبال به راه انداختن آشوب در ایران

بعد از شکست پروژه آشوب در ایران در پاییز ۱۴۰۱ گروه‌های اپوزیسیون تلاش کردند تا با القای این گزاره که بی‌عدالتی‌های گسترده علیه زنان در ایران وجود دارد، این شکاف را در جامعه تقویت کنند، اگر چه بعد از شکست این اعتراضات، آمریکایی‌ها، صراحتاً موضع‌گیری در این مورد نداشتند، ترامپ اما در دومین یادداشتش خود علیه ایران، صراحتاً در مسائل داخلی ایران ورود کرده و نوشته: «ایالات متحده در کنار زنان ایران که روزانه با آزار و اذیت مواجهند، ایستاده‌است.» ادعایی که نشان می‌دهد انگیزه‌ای برای به راه انداختن دوباره ناآرامی‌ها در ایران از جانب آمریکا وجود دارد با این تفاوت که این بار صراحتاً آن را مطرح کرده است.

هدف، تعطیل کردن برنامه هسته‌ای ایران

منهم و محکوم کردن ایران به ساخت سسلاح‌های هسته‌ای تازگی ندارد،

در حالی‌که ایران بارها اعلام کرده که به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و این موضوع بارها در گزارش‌های آژانس اثبات شده، اما آمریکایی‌ها برای توجیه اعمال فشار بیشتر همچنان به بیان این ادعا می‌پردازند، ادعایی که نشان می‌دهد آنها به دنبال تعطیل کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران هستند و گام بعدی نیز محدود کردن فعالیت‌های موشکی ایران است، که خروجی آن نیز تضعیف ایران است. در بخشی از این یادداشت آمده «برنامه هسته‌ای ایران... تهدیدی برای ایالات متحده و کل جهان متمدن است». در ادامه نیز مدعی شده که ایران، با پنهان کردن سایت‌ها و مواد هسته‌ای اعلام نشده، «همان‌طور که در توافقنامه جامع یادمان با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) مورد نیاز است، تعهدات خود در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را نقض می‌کند.» با وجود آنکه ایران بارها اعلام کرده که ایران به تعهدات خود در پادمان متعهد است و گروهی نیز در آخرین گزارش خود به آن اشاره کرد، اما به نظر می‌رسد، مطرح کردن این ادعا که ایران به اقدامات خود پایبند نیست، مقدمه‌سازی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه علیه ایران است.

محکوم کردن ایران به ساخت سلاح هسته‌ای برپایه احتمال

در بخش دیگری از این یاداشت نیز آمده: «ایران دسترسی IAEA به سایت‌های نظامی یا سایت‌های مرتبط با ساز مان نوآوری و تحقیقات دفاعی، معروف به SPND و مصاحبه با دانشمندان هسته‌ای که هنوز در مشغول به کار هستند را مسدود کرده است.» و پس از آن مدعی شده که ایران «ممکن است» درگیر مدل‌سازی کامپیوتری مرتبط با توسعه سلاح‌های هسته‌ای باشد. ادعایی که نشان می‌دهد اسنادی مشخص در خصوص انجام این اقدامات در اختیار آمریکایی‌ها نیست و صرفاً یک ادعاست. در ادامه یادداشت به این موضوع هم اشاره شده که ایران دسترسی آژانس به سایت‌های مرتبط با سازمان نوآوری و فناوری دفاعی را مسدود کرده است، نکته اول آنکه دسترسی به سایت‌های نظامی که در چهارچوب قواعد یادمان ذکر نشده است این ادعا و انتظار تحقق آن نیز چیزی فرای توافقات است. در ادامه این یادداشت به این موضوع هم اشاره شده که ایران، اجازه مصاحبه با دانشمندان هسته‌ای را نمی‌دهد، این اقدام اساساً در چهارچوب روابط میان ایران و آژانس مطرح نبوده است. ضمن آنکه درزا اطلاعات آژانس منجر به ترور دانشمندان هسته‌ای ایران گردید. علاوه براین بر مبنای آنچه رئیس سازمان انرژی اتمی ایران اعلام کرده، ایران ۱۰ برابر دیگر کشورها مورد بازرسی قرار می‌گیرد، سؤالی که وجود دارد این است که میزان بازرسی‌ها می‌بایست چقدر افزایش پیدا کند تا عضو جداشده از توافق هسته‌ای ایران، مدعی نشود که ایران پادمان را نقض کرده است. ترامپ پس از این ادعاها نوشته «رفتار ایران منافع ملی آمریکا را تهدید می‌کند.» و اعمال فشار حداکثری را عاملی برای کنترل تهدید ایران می‌داند، فشارهایی که با مجموعه‌ای از تهدیدات نظامی، اقتصادی و سیاسی، متزوی و ضعیف کردن ایران را هدف قرار داده است و در جریان مطرح کردن این تهدیدات مدعی شده باید فشار حداکثری بر ایران اعمال شود تا «به تهدید هسته‌ای آن پایان داده شود، برنامه موشک‌های بااستیک آن محدود شود و حمایت آن از گروه‌های مقاومتی که آمریکا آن‌ها را تروریستی عنوان نهاده متوقف شود».

وزارت خزانه‌داری مسئول انسداد مسیرهای ضدتحریمی است

در ابتدا ذیل ۵ بند مسئولیت مسدود کردن تمام مسیرهای دور زدن تحریم به وزارت خزانه‌داری سپرده شده است. در بند نخست این وزارتخانه باید بلافاصله تحریم‌های جدید با اقدامات اجرایی مناسب را بر تمام اشخاصی اعمال کند که وزارتخانه سواهدی از فعالیت آن‌ها در نقض یک یا چند تحریم مرتبط با ایران دارد. در ادامه این وزارتخانه متعهد می‌شود که یک کمپین مستمر و قوی را اجرا کند تا تحریم‌ها علیه ایران اجرایی شده و دسترسی ایران به منابع مالی مسدود شود. در بند سوم این وزارتخانه موظف شده است هرگونه مجوز کلی، دستورالعمل پرسش‌های متداول، یا سایر راهنمایی‌که به ایران هر نوع تخفیف اقتصادی یا مالی ارائه می‌دهند بررسی، اصلاح یا لغو کند. همچنین از این به بعد باید راهنمایی‌های به‌روزشده‌ای برای تمامی بخش‌های تجاری مرتبط از جمله کشتیرانی، بیمه و اپراتورهای بندری ارسال شده تا آنها را در مورد پیامدهای هرگونه نقض تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران آگاه‌کند. این یعنی کاری‌را که دولت دموکرات او با ما برای از کار انداختن برجام اجرایی می‌کرد دولت ترامپ علنی‌تر در پیش گرفته و شرکت‌های مختلف جهان را در تبادل تجاری با ایران برحذر می‌دارد. البته این اتفاق همان‌طور که گفته شد از همان فردای امضای برجام انجام می‌شود منتهی دولت ترامپ فقط علنی‌تر این اقدام غیرقانونی و خلاف یک معاهده بین‌المللی را پیاده‌سازی می‌کند.

FATF فن‌ها بخوانند

در حالی‌که بحث‌ها در مورد پیوستن به لوی پالرمو و CFT با هدف خروج از لیست سیاه FATF در ایران بالا گرفته و مجمع نیز بررسی این لایح را بار دیگر در دستور کار قرار داده است ترامپ در یادداشت خود گروه ویژه اقدام مالی را به حفظ تدابیر مقابله‌ای علیه ایران فراخوانده و هدف از این امر را نیز جلوگیری از دور زدن تحریم‌ها عنوان کرده است. در این‌باره در بند ۵ وظایف سپرده‌شده به وزارت خزانه‌داری آمریکا آمده است: «حفظ تدابیر مقابله‌ای علیه ایران در گروه ویژه اقدام مالی (FATF). ارزیابی آستانه‌های مالکیت ذی‌نفع به‌منظور اطمینان از اینکه تحریم‌ها تمامی منابع در آمدی غیرقانونی ایران را مسدود می‌کند، و بررسی اینکه آیا مؤسسات مالی باید استاندارد «شناخت مشتری خود» (Know Your Customer's Customer) را برای تراکنش‌های مرتبط با ایران اعمال کنند تا از دور زدن تحریم‌ها جلوگیری بشود.» این بند به تقویت استدلال مخالفان پیوستن به لایوح ذیل FATF کمک می‌کند که معتقدند اجرای دستورالعمل‌های این گروه منجر به کشف مسیرهای دور زدن تحریم شده و دست آمریکا را برای اعمال فشار حداکثری به ایران باز می‌کند.

تحریم‌ها هدفمندتر از گذشته اجرا می‌شود

مرور وظایفی که طی این یادداشت به وزارت خارجه سپرده شده است نشان می‌دهد ترامپ قصد دارد معافیت‌هایی که به کشورهای مختلف برای تجارت با ایران داده را لغو کند؛ معافیت‌هایی که البته نه با هدف بهره‌مندی اقتصادی ایران بلکه به دلیل نیاز کشورهای در تعامل به آنها داده شده بود. در بند ۱ این دستورالعمل آمده است: «معافیت‌های تحریمی به‌ویژه آن‌هایی که هر نوع تخفیف اقتصادی یا مالی برای ایران فراهم می‌کنند، از جمله معافیت‌های مربوط به پروژه بندر چابهار ایران اصلاح یا لغو می‌شوند.» در بند دوم نیز فروش نفت ایران به چین هدف گرفته شده و وزارت خارجه موظف شده تا اعمال محدودیت‌ها در این مورد را پیگیری کند. در این بند که به‌نوعی مکمل بند ۲ وظایف وزارت خزانه‌داری است آمده که وزارت خارجه موظف است با هماهنگی وزارت خزانه‌داری و سایر نهادهای اجرایی مرتبط یک کمپین مستمر و قوی اجرا کند تا صادرات نفت ایران به‌ویژه صادرات نفت خام به چین به صفر برسد. همچنین در بند ۴ این بخش نیز نقاط واسط درآمدهای ارزی ایران یعنی عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس هدف گرفته شده‌اند. مطابق این بند وزارت خارجه باید با هماهنگی وزیر خزانه‌داری و سایر نهادهای مرتبط تدابیر فوری اتخاذ کند تا این اطمینان حاصل شود که ایران از سیستم مالی عراق برای دور زدن تحریم استفاده نمی‌کند و کشورهای حوزه خلیج فارس نیز به‌عنوان نقاط واسطه برای نقض تحریم‌ها مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند. نقاط هدف ترامپ برای قطع درآمدهای ایران به منطقه محدود نمانده و در بند ۳ وزارت خارجه آمریکا مکلف به رهبری یک کمپین برای منزوی‌سازی ایران در سطح جهانی، از جمله در سازمان‌های بین‌المللی شده تا به این طریق از آزادی تردد تیروهای سپاه و هر نماینده دیگری که آمریکا برچسب ادعایی خود با عنوان تروریست به آن می‌زند در خارج از مرزهای ایران جلوگیری شود. اجرای کمپین ضدایرانی به وزارت خزانه‌داری و وزارت خارجه آمریکا محدود نمانده و در ادامه وزارت بازرگانی نیز به اجرای یک کمپین مستمر و قوی که بتواند جریان انتقال فناوری به ایران را محدود کند، موظف شده است.

دستور اجرای مکانیسم ماشه صادر شد

ترامپ در ادامه یادداشت اجرایی خود وظایفی را نیز برای نماینده دائم ایالات متحده در سلاز مان ملل مشخص کرده است که نشان‌دهنده عزم این کشور برای هل دادن متحدان اروپایی خود به سمت فعال‌سازی مکانیسم ماشه است. این موضوع در بند ۱ وظایف این نهاد این‌گونه مورد اشاره قرار گرفته است: «همکاری با متحدان کلیدی برای تکمیل بازگرداندن تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران.» همچنین در ادامه اتهام‌زنی به ایران در مورد نقض پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) تکرار شده و از نماینده آمریکا در سازمان ملل پاسخگو کردن ایران در این نهاد مطالبه شده است. در بند سوم نیز سوءاستفاده از جایگاه آمریکا به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل در دستور کار قرار گرفته و از نماینده آمریکا خواسته شده تا برای برجسته کردن آنچه تهدیدات متعدد ایران علیه صلح و امنیت بین‌المللی خوانده شده است جلسات شورای امنیت سازمان ملل به‌صورت منظم برگزار شود.

اتهام‌زنی و دزدی اموال ایران وظیفه همیشگی دادستان آمریکا بوده‌است

بر اساس این سند، دادستان کل ایالات متحده مأموریت یافته که از تمام



ابزارهای قانونی برای تحقیق، شناسایی و مختل‌سازی شبکه‌های مالی و لجستیکی که به‌زعم آمریکا در داخل این کشور فعالیت دارند و از سوی ایران یا گروه‌های وابسته به آن حمایت می‌شوند، استفاده کند. این دستور عملاً به معنای سرکوب سازمان‌ها و نهادهایی است که به نحوی با ایران در ارتباط بوده یا در راستای منافع آن فعالیت می‌کنند، حتی اگر هیچ اقدام غیرقانونی‌ای انجام نداده باشند. این اقدام بخشی از راهبرد آمریکا برای محدود کردن نفوذ ایران در عرصه بین‌المللی و ایجاد فضای رعب و وحشت در میان گروه‌های حامی ایران در ایالات متحده است. علاوه بر این، دادستان کل مأموریت یافته است تا تمام اقدامات قانونی ممکن را برای توقیف محموله‌های نفتی ایران که از نظر آمریکا غیرقانونی محسوب می‌شوند، به کار گیرد. این سیاست، ادامه تلاش‌های واشنگتن برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران از طریق اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی است. در ادامه این سند یکی دیگر از وظایف دادستان کل، شناسایی دارایی‌های دولتی ایران در ایالات متحده و خارج از کشور و تلاش برای مصادره آن‌ها با هدف جبران خسارت ادعایی قربانیان آمریکایی تروریسم عنوان شده است. این سیاست نیز در راستای تضعیف اقتصادی ایران و ایجاد فشار بر نهادهای دولتی کشور صورت می‌گیرد. آمریکا همواره تلاش کرده با استفاده از احکام قضایی، اموال ایران را مصادره کرده و به‌عنوان غرامت به افراد و گروه‌هایی که مدعی آسیب‌دیدگی از اقدامات جمهوری اسلامی هستند، واگذار کند. این اقدامات، مصداق بارز سرق‌ت بین‌المللی است و هیچ مبنای قانونی و اخلاقی ندارد.

هرکسی در برابر استکبار مقاومت کند باید تحویل آمریکا شود

همچنین، دادستان کل وظیفه دارد که تعقیب و پیگرد رهبران و اعضای گروه‌هایی را که آمریک آن‌ها را به صورت خودخوانده و با ادعایی موهوم تروریستی می‌داند و مدعی است که از حمایت ایران برخوردارند، در دستور کار خود قرار دهد. این سیاست، در حقیقت به معنای تلاش برای بازداشت و استرداد افرادی است که در برابر سیاست‌های آمریکا در منطقه مقاومت کرده‌اند. واشنگتن در طول سال‌های گذشته، تلاش کرده است تا با برچسب‌گذاری گروه‌های مقاومت منطقه‌ای، زمینه را برای سرکوب و تعقیب رهبران آن‌ها فراهم کند. این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که آمریکا خود یکی از بزرگ‌ترین حامیان گروه‌های تروریستی در منطقه غرب آسیا بوده و نقش اساسی در ایجاد و تقویت گروه‌هایی همچون داعش داشته است. این یادداشت همچنین از دادستان کل ایالات متحده می‌خواهد تا تمام ابزارهای کیفری، نظارتی و سایبری برای مقابله با آنچه جاسوسی، تهدید امنیت داخلی و تلاش‌های ایران برای دور زدن تحریم‌ها خوانده شده، استفاده کند. این بخش از دستور در حقیقت چرّاغ‌سبزی برای اقدامات غیرقانونی علیه اتباع ایرانی، شرکت‌ها و نهادهایی است که آمریکا آن‌ها را به همکاری با جمهوری اسلامی متهم می‌کند. همچنین، این بخش شامل تلاش‌هایی برای کنترل و محدود کردن آزادی بیان افرادی است که در فضای رسانه‌ای از ایران حمایت می‌کنند، به‌ویژه در حوزه‌هایی که به‌ادعای آمریکا با پهنوسبزی ارتباط دارند. این سیاست در راستای پروژه سرکوب مخالفان سیاست‌های رژیم صهیونیستی و خاموش کردن هرگونه صدای مخالف در این زمینه قابل تحلیل است. این اقدامات نه‌تنها نقض آشکار قوانین بین‌المللی محسوب می‌شوند، بلکه نشان‌دهنده استیصال آمریکا در برابر قدرت و نفوذ روزافزون ایران در منطقه و جهان است.

یادداشت اخیر تکلیف مدعیان گزاره «ترامپ تعامل پذیر است» را روشن کرد

سند ضدایرانی امضاشده توسط ترامپ چیز جدیدی نیست، بلکه تأکیدی دوباره بر سیاست‌های همیشگی آمریکا علیه ایران است. تحریم‌ها، فشار اقتصادی، مصادره اموال و پیگرد گروه‌های مقاومت سال‌هاست که در دستور کار واشنگتن قرار دارد، اما ترامپ با اعضای رسمی این دستور، نشان داده که سیاست‌هایش علیه ایران نه‌تنها تغییر نکرده، بلکه تهاجمی‌تر شده است. این اقدام عملاً به همه کسانی که تصور می‌کردند ترامپ اهل معامله است و می‌توان با او مذاکره کرد، پاسخی روشن داد. او نه‌تنها به‌دنبال توافق نیست، بلکه سیاست فشار حداکثری را تا آخرین حد ممکن پیش می‌برد. ساده‌انگاری است اگر تصور شود که چنین فردی حاضر به توافقی عادلانه خواهد شد. تجربه نشان داده است که هر بار ایران برای مذاکره با آمریکا چراغ سبز نشان داده، واشنگتن بر فشارهایش افزوده است. این سند تنها تأییدی دیگر بر این واقعیت است که آمریکا، به‌ویژه در دوران ترامپ، غیرقابل اعتماد است. مذاکره با چنین دشمنی نه‌تنها سودی ندارد، بلکه به او فرصت بیشتری برای اعمال فشار به ایران خواهد داد.

فرهنگ‌نخبگان

روز

روز

روز

سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۳

شماره ۴۳۵۱

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

